

لعل زاد، لندن، ۳ جون ۲۰۱۷

تاریخ گفتگو، ۱۵ می ۲۰۱۷

تاریخ نشر، ۲ جون ۲۰۱۷

## متن گفتگو با ویلیام موريس گرداننده شبکه بين المللی ای ان ان (Arab News Network)

---

**تبصره:** پروفیسور لعل زاد در افغانستان زاده شده است. درجه لیسانس خود را از دانشگاه کابل و ماستری خود را از اتحاد شوروی سابق بدست آورده است. بعد به حیث استاد دانشگاه کابل برای مدت بیش از ۲۰ سال کار کرده. او به خاطر نظریات سیاسی خویش توسط حزب اسلامی برای چند ماه محبوس گردیده و همچنان به هنگام کار در کمیته بین المللی صلیب سرخ توسط طالبان اسیر شده و پس از رهایی در سال ۱۹۹۸ به بریتانیای کبیر مهاجر شده است.

او در دانشگاه سوتبانک لندن مصرف کار گردیده و در ضمن، دکتورای خود را در سال ۲۰۰۶ بدست می آورد. او در فعالیت های سیاسی بر ضد طالبان سهم فعالی داشته، مصروف ترجمه و نوشتن مقالات و کتابها، کنفرانس ها و مصاحبه با تلویزیون ها بوده است. او چندین کتاب و مقاله در باره مسایل تاریخی و سیاسی افغانستان تالیف، ترجمه و به نشر رسانده است. او یک منتقد قوی سیاست های رژیم های کزری - غنی در کابل و سیاست های امریکا در افغانستان است.

به برنامه ما خوش آمدید. خوش هستم که شما را با خود داریم و مهمان امروز ما پروفیسور لعل زاد از افغانستان است و امروز می خواهیم در باره اوضاع افغانستان صحبت کنیم. در باره سه موضوع. تشکر از اینکه با ما هستید. ما در باره وضع کنونی صحبت خواهیم کرد، در باره نقش جامعه بین المللی در افغانستان و در باره وضع آینده که چه باید کرد. لذا اولاً - افغانستان امروز، حکومت افغانستان به عوض آوردن صلح و ثبات و باز سازی، با گذشت هر روز در فساد گسترده، قبیله گرایی و گسترش جنگ در سراسر کشور غرق شده است. در حال حاضر، قدرت افغانستان در بین اشرف غنی رییس جمهور و عبدالله عبدالله رییس اجرائیه تقسیم شده و آیا این تقسیم قدرت کدام تاثیری در ثبات افغانستان داشته است؟ لذا پروفیسور لعل زاد، وضع افغانستان امروز، طوریکه من می بینم، گیج کننده است. ببخشید برای من به حیث یک خارجی، شما یک رییس جمهور دارید اشرف غنی و یک رییس اجرائیه، عبدالله عبدالله. معلوم می شود که آنها شریک قدرت اند ولی اشرف غنی در رهبری و عبدالله در موقف دومی. آیا چیزی اجرا می شود و آیا موفقانه است؟

**پاسخ:** تشکر. من هم خوش حال هستم که با شما هستم. سلامت باشید. اجازه دهید وضع فعلی افغانستان را با خوانش آنچه در واشنگتن تایمز در ۱۰ می یعنی ۵ روز پیش نوشته شده، آغاز کنم. حکومت دست نشانده ما فاسد، بی کفایت، قبیلوی، فرقه گرا، مستبد و منفور است. سربازان خیالی نیرو های مسلح را پر کرده، تولید مواد مخدر به اوج خود رسیده و انتخابات پر از تقلب گسترده، به علاوه فقر، عدم اشتغال و فرار جوانان از کشور، جنگ جریان دارد و طالبان در همه جا گسترش دارند. این است وضع حاضر. آنچه در مورد تقسیم قدرت گفتید، چیزی است که توسط جان کیری صورت گرفت، اما عملاً تطبیق نگردید. به خاطریکه تمام قدرت در دست اشرف غنی در ارگ تمرکز یافته و عبدالله در آنجا نشسته و یکتعداد مهمانان خارجی را می پذیرد و در جلسات اشتراک می کند و خلاص. از نگاه عملی هیچ بهبودی در وضع نیامده و با گذشت هر روز بدتر می شود.

**سوال:** اما اشرف غنی به حیث یک امید بزرگ در افغانستان دیده میشود. مردم او را به حیث یک مرد متفکر می دیدند که آمده و آیا این نقص او است؟ یا گناه یک نفر است که باعث ناکامی امروز افغانستان شده است؟

**پاسخ:** در واقعیت این گناه یک فرد نیست، آنچه در افغانستان جریان دارد گناه ساختار حکومت افغانستان است. به خاطری که آنچه امریکا و نماینده آن خلیل زاد در بن کرد، تحمیل یک ساختار نهایت متمرکز است که تمام قدرت به رییس جمهور داده شده و او در نقش یک شاه عمل می کند. اولاً کرزی و حالا اشرف غنی تمام قدرت را در دست خود دارد، هیچ وزیر یا والی صلاحیت تقرر کسی را ندارد، لذا او همه کس را مقرر می کند، هر کسی را برکنار می سازد و هر کی را خوش دارد، برایش درجه می دهد، لذا این نتیجه ساختار و سیاست های است که بصورت غلط در افغانستان تحمیل و تطبیق شد. لذا نمی تواند گناه یک نفر پنداشته شود، با آنهم اگر یک شخص درست در رهبری می بود، وضع به مراتب بهتر می شد. تا جاییکه من می دانم با وجودیکه غنی یک شخص اکادمیک بوده و چندین مقاله نوشته است، اما تا جاییکه میدانم، او از اول یک دیکتاتور بوده و مفکوره بسیار قبیلوی در رابطه به مردم افغانستان و به خصوص ترکیب قومی داشته و حتی پیش از اینکه رییس جمهور شود، در گفتگو های زیادی که داشت، می گفت که آیا این درست یا متعادل است که تمام زندانیان از گویندگان یک زبان باشد؟ آیا این متعادل یا درست است که امریکایی ها فقط سمت جنوب را بمباران کنند؟ این بدین معنی است که اگر من رییس جمهور شوم، در همه چیز تعادل برقرار می سازم. او حالا این وعده خود را عملی ساخته است. بدین معنی که جنگ را در سراسر کشور گسترش داده و این نتیجه ایدیولوژی و تفکر او است.

**سوال:** لذا شما می گوئید که ایدیولوژی او در مورد جنوب یا پشتون ها شدید تر بوده یا چطور؟

**پاسخ:** با کمال تاسف بزرگترین مشکل در افغانستان از نگاه داخلی مشکل یا تنش قومی است. به خاطری که افغانستان عمدتاً از چهار قوم تشکیل شده است: تاجیک، هزاره، ازبیک و پشتون. از انجاییکه در دو صد سال اخیر حاکمیت به دست پشتون ها بوده، آنها ادعا می کنند که اکثریت اند؛ با وجودیکه هیچ وقت نه سر شماری صورت گرفته و نه کدام احصاییه وجود دارد. تا جاییکه من می دانم، تعداد هیچ قومی در افغانستان بیشتر از ۳۰ فیصد نمی باشد. اما پشتون ها ادعا دارند که چون ما اکثریت هستیم، ما باید کشور را اداره کنیم، ما باید تمام قدرت را داشته باشیم؛ چون کشور را ما ساخته ایم، خط مرزی یا مرز با پاکستان را به رسمیت نمی شناسیم و نیم پاکستان مربوط ماست، ما می خواهیم یک افغانستان بزرگ یا لوی افغانستان بسازیم. این دلیل دومی و عمده ای است که چرا پاکستان در امور افغانستان مداخله می کند. زیرا اگر کسی ادعا کند که نیم خانه شما از من است. معلوم است که شما آرام نخواهید نشست و بگذارید که او به پای خود ایستاده شود و بالای شما حمله کند.

**سوال:** من با چندین پشتون های پاکستان گفتگو داشته ام و آنها اصرار داشتند که خود را افغان بگویند و شما این مردم را دیده اید و تا اندازه ای در امتداد مرز وجود دارند، آیا موضوع از این قرار نیست؟

**پاسخ:** از نگاه تاریخی پشتون ها و افغان ها یک چیز اند. آنها در اصل افغان نامیده شده اند و در حدود ۱۰۰ سال اخیر، کم یا بیش خود را پشتون نامیده اند. در واقعیت دیگران بوده که آنها را افغان نامیده و خود شان خود را پشتون می نامند. لذا پشتون و افغان یک چیز است. آنچه در افغانستان بد یا خوب است، اینکه

این اقوامی که در افغانستان زندگی می کنند، اکثریت آنها در بیرون از افغانستان قرار دارد. بدین معنا که تعداد پشتون ها یا افغان های که در افغانستان زندگی می کنند، به مراتب کمتر از تعداد آنها در پاکستان است. طور مثال تعداد آنها در افغانستان شاید در حدود ۷ یا ۸ میلیون باشد، در حالیکه تعداد آنها در پاکستان حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون است و آنها خود را افغان می گویند. عین چیز در مورد تاجیک هاست. اکثریت آنها در تاجیکستان و اکثریت ازبیک ها در ازبکستان اند. هزاره که مردم شیعه ما را تشکیل میدهد، اکثر شیعیان در ایران زندگی می کنند. این ترکیب قومی کشور است. دلیل عمده دیگر اینکه حتی پشتون های پاکستان مفکوره قبیله‌ی حاکمان کابل را خوش ندارند که می گویند شما به ما بپیوندید. زیرا آنها می گویند که چرا شما به ما نپیوندید. اگر اکثریت مهم است، باید شما با ما یکجا شوید، نه اینکه ما با شما یکجا شویم. لذا اینها مشکلات اساسی اند.

**سوال:** دلچسب. حال ما طالبان شورشی را داریم که با استفاده از یک حکومت مرکزی و اینکه قدرت های غربی کمتر سهم دارند، بدین معنی که شما قویا بر ضد طالبان بوده اید و اسیر آنها... آیا احساس می کنید که آنها بخشی از حل قضیه افغانستان در آینده می باشند؟

**پاسخ:** باید دانست که طالبان کی ها اند و چه کسانی طالبان را ایجاد کرده اند و با چه هدفی. طالبان در سال ۱۹۹۴ توسط آی اس آی پاکستان ایجاد گردید تا از ایجاد یک حکومت قوی در کابل جلوگیری کند. لذا طالبان هیچ چیزی نمی دانند و این پاکستانی هاست که هزاران طالب را در مدرسه ها آموزش میدهند و تجهیز نموده به افغانستان صادر می کنند تا در مقابل رژیم کرزی مبارزه کنند. زیرا وقتی کرزی در قدرت بود، فکر می کرد چون امریکایی ها و متحدین آن با او است، می تواند بالای پاکستان فشار بیاورد و مرز را به رسمیت نمی شناسد. من قوی هستم و می توانم بیشتر بروم. پاکستان این موضوع را میدانست و در حقیقت پاکستان مانع تمام این سیاست ها گردید. در غیر آن امریکایی ها و متحدین آنها می دانستند که طالبان از کجا می آیند و چه کسانی آنها را تمویل می کند، از نگاه لوژستیک، پول، تجهیزات و تمام چیز ها. در حالیکه ما میدانیم در شرایط حاضر یک نفر مذهبی/طالب نمی تواند بر ضد یک حکومت بجنگد، بر ضد ناتو و امریکا. این کاملا روشن است که امریکا نمی تواند بالای پاکستان فشار بیاورد که مانع آنها شود. زیرا آنها می دانند که چه چیزی در افغانستان جریان دارد و کرزی علنا می گفت که مرز را به رسمیت نمی شناسد.

**سوال:** بلی. با آنهم اگر شما طالبان برگشتی داشته باشید که دارید و آنها باید تا اندازه ای مشهور بوده و مورد قبول مردم عادی باشند، حد اقل در ساحاتی که به آنجا آمده اند، آیا قضیه از این قرار نیست؟

**پاسخ:** چون طالبان پشتون اند و در ساحاتی که آنها آمده اند و کار می کنند نیز پشتون ها اند. لذا آنها زمینه قومی و مذهبی خود را در آنجا ها دارند. آنها می گویند که کرزی کافر است و امریکایی ها و غربی ها اینجاست و ما مسلمان هستیم. لذا دو دلیل عمده: اول زمینه قومی و دوم زمینه مذهبی. آنها بنیاد های پشتیبانی طالبان اند. آنها پشتیبانی خود را در آن ساحت دارند. اما آنها از نگاه سیاسی به شمال افغانستان فرستاده شده اند. چون تاجیک ها پشتیبان طالبان نیستند. ازبیکها پشتیبان طالبان نیستند و هیچ هزاره ای هرگز طالب نبوده است. اینها نیرو های ضد طالبان بوده اند. در واقعیت همین ها بودند که امریکایی ها را کمک کردند تا طالبان را سقوط دادند. اما آنها به علت سیاست های خلیل زاد کناره نشین شده و شما می دانید که در بن چه واقع شد؟ کرزی ۲ رای داشت و ستار سیرت ۱۱ رای. اما آنها کرزی را به خاطر قومیت

تحمیل کردند. با این دلیل که چون پشتون ها اکثریت اند و کرزی هم پشتون است و یک پشتون باید حاکم افغانستان باشد.

### سوال: شاید به خاطر ارتباطش با امریکایی ها؟

پاسخ: سیرت نیز با غربی ها رابطه داشت. او در ایتالیا زندگی می کرد و طرفدار شاه سابق بود و تعداد زیادی در غرب زندگی می کردند، اما پشتون نبودند. وقتی شما فکر می کنید که همه چیز باید بر بنیاد قومیت باشد، دیگر جایی برای لیاقت و شایستگی و آوردن دموکراسی در یک کشور نمی ماند. حال آنها چنین حساب می کنند که در اردوی ملی باید تعداد پشتون ها حدود ۴۵٪ و تعداد تاجیک حدود ۳۰٪ و همه چیز بر بنیاد چنین محاسبات و احصاییه غلط است. وزرا و پارلمان و همه چیز بر بنیاد قومیت است. آیا ما می توانیم دموکراسی، دولت و یا ملت را بر بنیاد قومیت بنا کنیم؟ هرگز!

سوال: در باره فساد، رییس جمهور می گوید، مبارزه را بر ضد آن اعلان کرده، مگر نه؟ می خواهد به آن پایان دهد.

پاسخ: او این چیز ها را می گوید، اما ما هنوز در صدر فهرست کشور های فاسد جهان قرار داریم. سه سال است که اشرف غنی در قدرت است، ولی فساد در تمام کشور گسترش یافته است. اما هیچ فاسدی در کشور وجود ندارد. هیچ فرد فاسدی در کشور ما وجود ندارد. تقلب گسترده ای صورت گرفت، اما هیچ کسی مسئول نبود. آنها بر ضد فساد مبارزه می کنند، اما نه بر ضد اشخاص فاسد. در مورد تقلب می گویند، اما نمی گویند که چه کسی مسئول آن است. او هم دیگران را ملامت می سازد. در حالیکه تو نباید ملامت کنی، تو مسئول هستی. تو باید اقدام کنی. چه کسانی اینهمه فساد می کند؟ چه کسانی اینهمه مواد مخدر را گسترش می دهد؟

سوال: شاید جنگ سالاران افغان و یا افراد مختلف باشند؟ لذا این یک مسئله افغانی است. مگر نه؟

پاسخ: اما سران ایشان در حکومت اند، در پارلمان اند. اگر آنها چنین ارتباطاتی نمی داشتند چرا دستگیر نشده اند؟ آنها در جریان ۱۵ سال حتی یک فرد مهم را توقیف نکرده اند. همه یکدیگر را ملامت می کنند. اگر شما به افغانستان بروید، افغان ها امریکایی ها را ملامت می کنند که آنها همه چیز را تحمیل کردند، آنها بودند که کرزی را آوردند، آنها بودند که غنی را آوردند، همه چیز ها را آنها آوردند. اما اگر شما مردم امریکا و یا برتانیه را پرسان کنید، آنها می گویند این کشور شماسست، افغان ها این شرایط را مهیا ساختند. شما مردم فاسد هستید و شما اینهمه کار ها را انجام می دهید. لذا فعلا هیچ کسی نمی داند در کشور ما چه کسانی مسئول اند.

سوال: این بسیار آزار دهنده است. آیا همه چیز رو به خرابی است؟ ما گزارشاتی در مورد ازدیاد خشونت در کابل وغیره را می شنویم. شما فکر می کنید که اوضاع بدتر می شود؟

پاسخ: هر هفته در آنجا یک انفجار است، یک انتحار است، حمله بالای شفاخانه، حمله بالای قرارگاه های نظامی. شهرستان ها سقوط می کند، طالبان در حال رشد اند و حکومت در حال باختن است. چنین است وضع موجود. حالا حکومت و امریکایی ها روسیه را ملامت می کنند و ایران را ملامت می کنند که آنها طالبان

را حمایه می کنند؛ اما میدانید که تاکنون امریکایی ها رسماً طالبان را به حیث یک گروه تروریستی نمی شناسند.

### سوال: واقعا؟

**پاسخ:** بلی، آنها القاعده را تروریست اعلام کردند، داعش را همچنان، اما طالبان را نه. به خاطری که کرزی می گفت. چه کسانی بسیار خطرناک اند؟ او می گفت که اتحاد شمال یعنی تاجیکها، هزاره ها و ازبیک ها خطرناک تر از طالبان اند. چون طالبان پشتون اند و طالبان برادر های من اند. آنها طالبان را از زندان ها رها کردند. حالا حتی حکمتیار را هم آورده اند، به خاطری که او پشتون است. او حتی معاون اول خود را به حاشیه رانده است، جنرال دوستم. به خاطری که او یک ازبیک است. او احمد ضیا مسعود را برکنار کرد. به خاطری که او یک تاجیک است. لذا ما هر روز در یک مرداب غرق می شویم. حالا مربوط رییس جمهور ترمپ می شود که او چه می خواهد انجام دهد؟

**سوال:** بیایید در این مورد صحبت کنیم. موضوع دوم گفتگوی ما - نقش نیرو های بین المللی و در حقیقت نقش دونالد ترمپ. ۱۵ سال پس از اینکه اداره واشنگتن به کار در افغانستان شروع کرد. هزاران نفر کشته و بیون ها دالر به مصرف رسید. اما هدف کلیدی در افغانستان یعنی ایجاد یک ملت با ثبات ناکام مانده است. رییس جمهور فعلی دونالد ترمپ باید فکر کند و استراتژی خود در افغانستان را بازبینی کند و ببیند که چرا سیاست های ناکام شده که باید یک ملت با ثبات ایجاد می کرد. به عوض تحمیل یک حکومت اقتدار گرا و شاید با سیاست های غلط. لذا قبل از اینکه به مسئله دونالد ترمپ و نقش امریکا بپردازیم. تعداد زیادی وضع افغانستان را قسماً محصول دو نیروی کم قدرت یعنی تصادم در بین پاکستان و هند میدانند که در افغانستان می جنگند. آیا این درست است در بین این دو ملت؟

**پاسخ:** بلی این سوال مهم دیگری است که در افغانستان چه جریان دارد. طوریکه شما میدانید مشکل بزرگی در بین هند و پاکستان بر سر کشمیر وجود دارد و هند پشتیبان کرزی و اشرف غنی بوده و شعبات زیادی در شرق و جنوب افغانستان دارد و در حقیقت برای نیرو های ضد پاکستانی در بلوچستان کمک می کنند. پاکستانی ها بار ها از مداخله هند در امور داخلی خویش گزارش داده اند. داستان عدم شناخت مرز توسط روس ها و هندی ها نیز پشتیبانی شده و می خواهند که پاکستان را تجزیه نمایند. این آن چیزی است که پاکستان می گوید، اگر از مداخله هند و نقش آن جلوگیری نشود که در افغانستان وجود داشته و در پاکستان مداخله می کنند، این وضع ادامه می یابد و این دلیل عمده دیگری است که پاکستان از طالبان پشتیبانی نموده و آنها را صادر می کنند تا در افغانستان بجنگند

**سوال:** ما نیاز داریم در مورد نقش نیرو های بین المللی صحبت کنیم و حالتی وجود دارد که نیرو های بیشتری ارسال شود و تقاضا های برای دونالد ترمپ و برتانیه وجود دارد. آیا شما این برگشت دوباره نیرو های بین المللی را سازنده می دانید؟

**پاسخ:** دونالد ترمپ سه گزینه در افغانستان دارد: یکی اینکه افغانستان را ترک کند و بگذارد که هند و پاکستان و نیرو های منطقوی هر چه می خواهند، بکنند. گزینه دوم ادامه وضع موجود است. یعنی در حالیکه نیرو های محدودی وجود دارد که مراکز ولایات و شهرستان ها را نگاه می دارد، در حالیکه کنترل روستا ها در دست طالبان است. گزینه سوم آنچه دونالد ترمپ نیاز دارد تغییر سیاست در افغانستان است. به خاطری که

اگر شما نیرو های بیشتر و پول بیشتر بفرستید در موجودیت چنین یک حکومت فاسد اوضاع باز هم همچنان خواهد بود. زیرا قبلا چه واقع شد، وقتی که امریکایی ها به افغانستان آمدند آنها با تعداد زیاد سرباز و مقدار زیاد پول آمدند و افغان ها به بهانه باز سازی، نیرو های مسلح و مسایل دیگر و بدون پاسخگویی... افغان ها با آنها چه کردند؟ آنها را نیز فاسد ساختند. چون در فساد ماهر بودند، امریکایی ها را هم فاسد ساختند. حال ارقامی توسط امریکایی ها داده می شود که سرک ها چگونه ساخته شد، در حالیکه هیچ فابریکه و زیربنای ساخته نشده، اما بلیون ها دالر به مصرف رسیده است. شما می دانید، ما مکاتب خیالی داریم، نیرو های مسلح خیالی داریم. لذا اگر شما پول بیشتر بریزید و چون آنها در مقابل هیچ مرجعی پاسخگو نمی باشند، به خصوص در موجودیت اشرف غنی، یک حکومت فاسد و نیرو های فاسد... ببینید طالبان پشتون اند و بر ضد اشرف غنی می جنگند در عمل پشتیبان اشرف غنی اند و تمام سربازانی که در مقابل طالبان می جنگند به خاطر این است که ماهانه حدود ۳۰۰ دالر می گیرند...

### سوال: از حکومت؟

**پاسخ:** بلی از حکومت. لذا آنها چرا باید بجنگند؟ آنها می دانند که تمام یا اکثریت فرماندهان آنها پشتون اند و از عین تبار اند و اگر آنها طالبان را دستگیر هم کنند، غنی آنها را دوباره رها خواهد کرد. ما چندین مورد این را داریم که انتحار کنندگان کسانی بوده اند که از زندان های کابل و بگرام رها شده بودند. لذا ارسال سربازان بیشتر و پول بیشتر به حکومت موجود به معنی ادامه وضع موجود است. دلیل دوم، کی ها می جنگند و بخاطر چی؟ طالبان که در روستا های افغانستان می جنگند از کجا می آیند؟ آیا امریکایی ها و غربی ها آنقدر سرباز دارند که به تمام روستا های افغانستان بفرستند. البته که نه. به خاطر کی که ارتش نمی جنگد، پولیس نمی جنگد. آنها اسلحه را می فروشند، مهمات را می فروشند، ولایات و شهرستان ها را به طالبان می دهند. شما میدانید که کندز دو بار به طالبان داده شد، یک ولایت عمده در شمال. چه کسی آنها را کمک می کند؟ همچنان چندین روستا هر هفته به دست طالبان سقوط می کند و بعد حکومت حمله نموده و آن تانک ها و وسایلی را از بین می برد که از دولت گرفته شده و باز می گویند که ما آن چیز های را که می خواستیم، بدست آوردیم؛ ما طالبان را شکست دادیم. کدام طالبان؟ شما تا کدام وقت طالبان را شکست می دهید، اگر آنها هر روز از پاکستان می آیند؟ شما چرا در نظر نمی گیرید که فابریکه در کجا قرار دارد؟ منبع اصلی در کجا قرار دارد؟ کسانی که آنها را آموزش داده و تربیه و تجهیز می کنند در همین نوار مرزی و در هزاران مدرسه در ولایت صوبه سرحد. تمام آنها پشتون اند و آنها حتی زیر حاکمیت پاکستان قرار ندارند.

**سوال:** اگر این آن چیزی است که نادرست است و قدرت های بین المللی در جهت منفی مداخله می کنند و شما واقعا نمی خواهید که ادامه داشته باشد؛ آنها چگونه مداخله کنند؟

**پاسخ:** طوریکه من بشما گفتم دو گزینه مهم وجود دارد. اول ما باید روی رژیم کابل تمرکز کنیم. ما باید آنرا تغییر دهیم؛ باید این سیستم را تبدیل کنیم. باید سیستم را غیرمتمرکز بسازیم. درغیرآن وضع موجود را ادامه می دهیم. پیشنهاد من این است که یک حکومت موقت برقرار کنیم تا آنها قانون اساسی را تغییر بدهند تا یک حکومت غیرمتمرکز نوع فدرالی بوجود آید که مردم هر محل هر کسی را که خوش دارند انتخاب کنند، والی خود را، شهردار خود را و فرمانده پولیس خود را. اگر مردم کدام شهرستان یا روستا می خواهد که طالب آنرا اداره کند، چرا نه؟ ما باید این شرایط را فراهم کنیم. یعنی فعلا هم تحمیل جریان دارد. شما می دانید که

فعلا در افغانستان چه جریان دارد؟ اشرف غنی تمام تاجیک ها، ازبیک ها و هزاره ها را برای جنگ در پکتیا و هلمند و ننگرهار می فرستد و حال هیچ کسی وجود ندارد که در شمال با طالبان بجنگد.

**سوال:** این شرایطی است که در آن سه عامل بین المللی یعنی پاکستان، هند و امریکا و در واقعیت هیچ کدام کمک کنند؟

**پاسخ:** در واقعیت سه عامل یا مثلث بازیگران وجود دارد. اول حکومت کابل و دوم متحدین بین المللی او یکجا با هند و دیگر پاکستان و متحدین او یعنی کشور های عربی که پول و لوژستیک آنها را می فرستد. چون آنها می خواهند که جنگجویان ایشان در آنجا باشند و به سعودی و آنجا نیایند تا یک میدان بازی برای شان موجود باشد که افغانستان است. این مثلث را داریم که اولی و عمده آن حکومت افغانستان است که باید تغییر کند، باید غیرمتمرکز شود و اجازه دهیم که مردم رهبران خود را به اساس لیاقت و شایستگی ایشان انتخاب کنند، نه بر بنیاد قومیت و نه بر بنیاد زبان. دیگر باید پشتیبانی هند از حکومت کابل قطع شود که در امور پاکستان مداخله می کند. پس از آن می توانیم بالای پاکستان فشار بیاوریم که چرا آنها طالبان را تربیه می کنند. شما میدانید که رهبران طالبان در کجا اند؟ آیا امریکایی ها نمی دانند؟ میدانند. برتانیه نمی داند که رهبران طالبان در کجا اند؟

**سوال:** شما می گوید که آنها در پاکستان اند؟

**پاسخ:** من نمی گویم. این مثل روز روشن است که کمیته حقانی در کجاست. اینهمه رهبران در کجا اند و از کجا می آیند. رهبر القاعده در کجا کشته شد؟ در ایبیت اباد. ملا عمر در کجا بود؟ تمام این رهبران در همانجا اند.

**سوال:** در باره قدرت های دیگر مثلا چین نظر شما چیست که می گویند از معادن در شمال افغانستان بهره برداری می کنند. آیا آن چندان ارتباطی ندارد؟

**پاسخ:** ببینید، وقتی در افغانستان هرج و مرج وجود دارد، مافیای قدرت کار می کند، قاچاقبران کار می کنند و جنگ در آنجا یک تجارت است. هر کس هر چه می تواند، انجام می دهد. میدانید چه چیزی در افغانستان دلچسب است؟ وقتی ما در بین خود قصه می کنیم... چه نوع دموکراسی در افغانستان بوجود آمده است؟ یک نوع دموکراسی افغانی! بدین معنی که مردم حق دارند هر چه می خواهند بگویند، بر ضد حکومت و هر کسی را که می خواهند انتقاد کنند و حکومت هم می تواند هر کاری که می خواهد انجام دهد، هیچ کس ممانعت نمی کند. لذا همه مردم آزاد اند که هر چه می خواهند بگویند و حکومت هم آزاد است که هر چه می خواهد انجام دهد: فساد و تقلب و هیچ کسی مسئول نیست.

**سوال:** و شما می گوید که فساد و تقلب بدتر خواهد شد؟

**پاسخ:** البته. وقتی پول بیشتر شود، فساد بیشتر می شود. وقتی پاسخگویی موجود نباشد و هیچ کس پرسان نکند که شما چه می کنید، البته که فساد بیشتر خواهد شد.

**سوال:** در عین زمان مسایل دیگری نیز وجود دارد که هیرویین یا کشت مواد آن افزایش می یابد و پیامد های برای غرب. اینهم کمبود حکومت کرزی است و متعاقب آن حکومت غنی؟

**پاسخ:** هر دوی ایشان. غنی ادامه کرزی است. هر دو عین ایدیولوژی دارند و مربوط یک قوم اند و اینها در واقع تقویه کننده سیستم قبیلوی اند.

**سوال:** آیا اینها قبیله گرایي را تقویه می کنند؟

**پاسخ:** دقیقا...

**سوال:** ولی این نوع قبیله گرایي خوب است و ما می خواهیم که حکومت داری مردمی شود. مگر نه؟

**پاسخ:** نه، آن چیز دیگری است. شیوه فدرالی چیز دیگری است. قبیله گرایي بر بنیاد یک قوم استوار است. طوریکه من به شما گفتم، این قبیله گرایي پشتونی است. قبیله گرایي افغانی است. بدین معنا که آنها اجازه می دهند که فقط طالبان رشد کنند. شما میدانید که حتی امریکایی ها حالا میدانند و نوشته اند که کرزی میگفت که طالبان خطرناک نیستند و از خود من می باشند. اما این جنگ سالاران تاجیک و ازبیک اند که بسیار خطرناک اند. آنها اسماعیل خان را به حاشیه راندند، جنرال دوستم و احمد ضیا و تمام اینها را. چه تعداد فرماندهان تاجیک در حکومت کرزی کشته شدند؟ حتی رییس جمهور ربانی را ترور کردند. تعداد زیاد فرماندهان ضد طالبان را در دوران کرزی ترور کردند. آنها ضد طالبان بودند. حتی همین اکنون جنرال دوستم را که معاون رییس جمهور است و به فاریاب رفت که با طالبان بجنگد، با او چه کردند؟ او کجا است؟ برنامه قتل او را طرح کردند، توسط اشرف غنی و اتمر مشاور شورای امنیت که کنترل کننده همه چیز در افغانستان است. حتی او می خواست که به کندز برود، ولی او را اجازه ندادند. بدین معنی که در واقعیت آنها نمی خواهند با طالبان بجنگند، بلکه می خواهند آنها را گسترش دهند. حتی فعلا در افغانستان شایعاتی وجود دارد که امریکایی ها می خواهند آنها را به شمال ببرند تا آنها را به آسیای میانه بفرستند تا با روس ها بجنگند و این تیوری توطیه در همه جا پخش می شود!

**سوال:** شما فعلا چه می خواهید، از رییس جمهور دونالد ترامپ. او عامل تعیین کننده در افغانستان است؟

**پاسخ:** دقیقا. او تمویل کننده تمام پول ها در افغانستان برای نیرو های مسلح ماست. ما رسما حدود ۳۵۰ هزار نیروی مسلح داریم. تمام پول اینها توسط امریکایی ها داده می شود، بلیون ها دالر. حتی کارمندان کشور معاشات خود را از امریکایی ها می گیرند. ما هیچ گونه منابع داخلی نداریم. هیچ چیزی نداریم. فقط عواید گمرک و خلاص. ما نه تولیدی داریم و نه صادراتی. تمام چیز از خارج می آید. لذا پیشنهاد من این است... آیا آنها چه می خواهند؟ آیا می خواهند در افغانستان ثبات بیاید و یا وضع موجود ادامه یابد؟ مطابق تیوری های توطیه، امریکایی ها تقویه کننده طالبان اند، تقویه کننده القاعده اند و این آن چیزی است که در افغانستان گفته می شود. در بین افغان ها که همین ها بودند که داعش را ایجاد کردند، طالبان را ایجاد کردند و القاعده را ایجاد کردند که به آسیای میانه بروند تا با روس ها بجنگند. زیرا... آنها می گویند، اگر چنین نیست، چرا آنها طالبان را از بین نمی برند؟ چرا القاعده را از بین نمی برند؟ چرا از حکومتی دفاع می کنند که طالبان را رها می کند؟ حال مربوط به امریکایی هاست که آنها چه می خواهند؟ به خصوص

دونالد ترامپ. آیا او می خواهد به تمام این چیزها پایان دهد و یا می خواهد که ادامه یابد؟ اگر او می خواهد که پایان دهد، اولین چیزی که او باید انجام دهد، تغییر حکومت کابل است.

**سوال:** مگر می شود؟ حال ما این مردمانی را داریم که انتخاب شده اند و دوره خود را به پیش می برند. مشکل است که آنها را تغییر داد.

**پاسخ:** غنی انتخاب نشده. یک انتخابات تقلبی بود. ما یک حکومت وحدت ملی داریم، نه یک حکومت انتخابی! آنها رسماً می گویند که حکومت انتخابی اند. اما این یک شرم است، هم برای ما و هم تمام کشور های غربی. او چگونه انتخاب شد؟ پس عبدالله از کجا آمده است؟ او چه کاره است؟ چوکی ریاست اجراییه از کجا شده است؟ این یک چیزی بود به خاطر جلوگیری از جنگ. در غیر آن عبدالله رییس جمهور بود؛ او اکثریت رای را داشت و شما می دانید که در هر یک از ولایات جنوبی پکتیا، خوست و پکتیکا که تعداد باشندگان آنها از یکصد هزار زیاد نیست، تعداد رای دهندگان بیش از دو صد هزار بود.

**سوال:** بلی. بلی.

**پاسخ:** لذا بر بنیاد چنین رای گیری غنی در صدر جدول قرار گرفت و عبدالله آنرا نپذیرفت. مردم آنرا نپذیرفت. آنها می خواستند که حکومت خود را اعلان کنند. لذا شروع جنگ حتمی بود و جان گیری آمد و فیصله کرد که تور رییس جمهور باش و این رییس اجراییه. بعد قدرت را پنجاه پنجاه تقسیم کنید. حال عبدالله هیچ قدرتی ندارد و این موافقه شده بود که در جریان ۲ سال باید لویه جرگه دعوت شود، انتخابات برگزار شود، قانون اساسی تغییر کند و ما باید یک مقام صدارت در افغانستان داشته باشیم. و حال سال سوم است...

**سوال:** هنوز هیچ؟

**پاسخ:** بلی هیچ چیزی نشده است. اوضاع چنین است. لذا کدام رییس جمهور انتخابی؟ طوریکه گفتم شما می گویند که افغان ها ملامت اند؛ چون آنها انتخاب کردند. اما ما می گوئیم؛ ببخشید ما این را انتخاب نکردیم. شما غنی و عبدالله را تحمیل کردید. و این یک واقعیت است. از اینجاست که تیوری توطیه شروع می شود. شما تحمیل کردید، شما فشار آوردید. در قانون اساسی هیچ کس راضی نبود که یک حکومت متمرکز بوجود بیاید؛ اما خلیل زاد آنرا تحمیل کرد. زیرا مردم ظاهرشاه را می خواستند...

**سوال:** بلی، بلی. البته در آغاز در حقیقت لحظه دلچسبی بود.

**پاسخ:** در بن سیرت ۱۱ رای داشت و کرسی ۲ رای. لذا ما و افغان ها در افغانستان فکر می کنند که همه چیز را شما تحمیل کردید. هنوز هم شما هستید که آنها را کمک می کنید. اما در لندن و واشنگتن گفته می شود که نه، افغان ها آنها را انتخاب کردند. افغان ها کرسی را انتخاب نکرده بودند! چنین نبود!

**سوال:** بلی چنین بود و باید به پیش برویم. لذا موضوع سوم بحث ما راه حل برای آینده افغانستان است. پس از سالها عدم ثبات راه حل جدیدی برای افغانستان نیاز است راهی که با مشکلات موجود و ظهور دوباره طالبان مقابله کند و راهی که شکلی از حکومتی بوجود آید که نباید فاسد باشد و یا دست نشانده نباشد و

یک حکومت واقعی که قدرت را به مردم و به محلات و محرومانی بسپارد که از مجبوری به چنین خشونت دست می زنند. لذا پروفیسور لعل زاد راه حل آینده چه است و شما پیشنهاد می کنید، ضرورت برای ایجاد یک نوع لویه جرگه که قدرت را به ولایات بدهد و یا باز هم یک انتخابات نوع غربی می خواهید که به آسانی میتواند مورد فساد قرار گیرد؟

**پاسخ:** ما نمی توانیم انتخابات داشته باشیم و اگر برگزار هم گردد، مثل سابق خواهد بود. درس های ۱۵ سال گذشته چه است؟ ما چندین انتخابات داشتیم: سه انتخابات ریاست جمهوری و هم پارلمانی. به باور من ما در گام اول به یک حکومت موقت نیاز داریم و یا بالای اشرف غنی فشار وارد شود که یک لویه جرگه برگزار کند که اول قانون اساسی را تغییر دهد. زیرا اگر ما قانون اساسی را تغییر ندهیم، معنایش این است که در عین دایره روان هستیم.

**سوال:** به کدام طریق؟

**پاسخ:** از طریق یک لویه جرگه. لویه جرگه این صلاحیت را دارد که قانون اساسی را تغییر دهد و اینهم بر بنیاد همین قانون اساسی است که فقط لویه جرگه حق دارد قانون اساسی را تغییر دهد و اصلاح کند.

**سوال:** و قانون اساسی را تغییر دهد که چه کند؟

**پاسخ:** اولاً - به خاطر اینکه ما سیستم را غیرمتمرکز بسازیم. بر بنیاد یک سند قانونی یعنی قانون اساسی. مطابق قانون اساسی موجود ما یک رییس جمهور داریم که همه کاره است و تمام قدرت در اختیار او است. لذا اگر ما به طرف انتخابات برویم عین درامه تکرار خواهد شد که کرسی تمام قدرت را در اختیار داشت و برای دو دور انتخاب شد با زور پول و فساد و تقلب. حال که غنی بر بنیاد همان تقلب انتخاب یا انتساب شد، اگر هر انتخاباتی باشد، در ضمن اینکه هیچ گونه امنیتی وجود ندارد... تمام روستاها در اختیار طالبان است. در کجا می توانیم انتخابات برگزار کنیم؟ چگونه و چه کسانی می آیند تا رای بدهند و به چه کسی؟ چه کسی این قدرت را دارد که در مقابل غنی ایستاده شود؟ با کدام منابع پولی؟ آیا من می توانم آنجا بروم و ایستاده شوم؟ هیچ کس برایم اجازه نه خواهد داد که آنجا بروم. به خاطر اینکه حالا پول همه چیز را انجام می دهد و پول است که سخن می گوید. اگر هر کسی پول دارد، چندین موتر دارد و چندین بادیگارد و هر چه بخواهد می تواند انجام دهد، مثل یک قوماندان.

**سوال:** لذا با در نظر داشت وضع موجود راه آینده را گفتید، اصلاح قانون اساسی...

**پاسخ:** و بعد فراهم نمودن شرایط برای یک انتخابات. ممکن پس از یک سال یا دو سال. چیز دیگری که مهم است شناسایی مرز با پاکستان است که از صدور طالبان جلوگیری کند. بعد اجازه دهیم که مردم محل از روستا های خود دفاع کنند. به عوض ریختن هزاران پول و بلیون ها دالر در دست یک حکومت فاسد، آنرا به مردم محل بدهید تا...

**سوال:** این فوق العاده قابل درک است...

**پاسخ:** تا از روستا های خود دفاع کنند. آیا سربازان برتانوی در هلمند نبودند؟ و از روستا های هلمند دفاع می کردند! شما این سیاست را برای چه مدتی می توانید ادامه دهید؟ آیا این سیاست موثر بود؟ نه! آیا تولید تریاک کاهش یافت؟ نه! شورشیان؟ نه! هیچ چیزی!

**سوال:** لذا شما توقع دارید که یک راهی موجود باشد که دربرگیرنده اصلاح قانون اساسی و دیگر...

**پاسخ:** یک حکومت مناسب با سیاست های درست. بدین معنی که به مردم اجازه دهیم رهبران خود را انتخاب کنند و از روستا های خود دفاع کنند. پشتیبانی شوند تا از روستا های خود دفاع کنند و همچنان رابطه ما با همسایگان مان. این بسیار عمده است. زیرا مهم ترین منبع طالبان پاکستان است. لذا ما چقدر می توانیم دشمنی با پاکستان را نگه داریم؟ رهبران پشتون می گویند، مهم نیست، اگر صد سال را هم در بر گیرد، ما مرز را به رسمیت نمی شناسیم. این ناممکن است! ما همه روزه خون می دهیم. اگر ما یا هر کسی که با پاکستان صحبت کند، آنها می گویند که شما مرز را به رسمیت نمی شناسید و نیم کشور ما را می خواهید. می گویند که شما نیرو های ضد پاکستانی را تربیه و آموزش می دهید و به بلوچستان می فرستید تا ما را تجزیه کنید.

**سوال:** لذا شما پیشنهاد می کنید که راه حل، یک حکومت اصلاح شده و قانون اساسی جدید، ولی شما می خواهید که قدرت های بزرگ آنرا تحمیل کنند...

**پاسخ:** نه تحمیل، بلکه این شرایط را فراهم کنند. درغیرآن حالا آنها غنی را بخاطر چه چیزی تقویه و پشتیبانی می کنند؟ پشتیبانی حکومت وحدت ملی، غنی - عبدالله بخاطر چه است؟ آنها بر بنیاد چه چیزی این مقام را بوجود آوردند؟ مگر من راست نمی گویم؟ به خاطر اینکه این در قانون نبود. ما در قانون اساسی چیزی بنام حکومت وحدت ملی نداریم. بدین معنی که ما برتانوی ها و امریکایی آنرا تحمیل کردیم و جان گیری بود که آنرا تحمیل کرد، نه هیچ افغانستانی! لذا شما آنرا تحمیل کردید و حال هم تقویه می کنید که ادامه یابد؟ تشکر بسیار زیاد. ادامه دهید! اگر ۱۵ سال کافی نیست، ادامه دهید! درغیرآن باید سیاست خود را تغییر دهید! آنچه بوش - اوباما کرد، غلط بود.

**سوال:** لذا سیاست فعلی باید این باشد که...

**پاسخ:** نه بر بنیاد قومیت و نه بر بنیاد زبان. نه بر بنیاد فیصدی ها. حال ۵۰ فیصد از غنی است و ۵۰ فیصد از عبدالله. اگر عبدالله کسی را پیشنهاد کند، غنی رد می کند و اگر غنی کسی را پیشنهاد کند، عبدالله رد می کند. حال ما چندین وزارت بدون وزیر داریم و چه مدتی می توانیم این بازی را دامه دهیم؟ ۵۰ - ۵۰؟ در عین زمانیکه هیچ یک از ایشان به دموکراسی باور ندارند.

**سوال:** لذا شما آینده دموکراتیک برای افغانستان می خواهید یا دموکراسی محلی بر بنیاد لویه جرگه یا قبیلوی؟

**پاسخ:** اگر شما آنرا لویه جرگه بگویید یا کمسیونی از نخبگان کشور. اصل نام زیاد مهم نیست. مهم این است که قانون اساسی تغییر کند و اصلاح شود بر بنیاد هر چیزی که مردم ما خوش دارند. یعنی ما عملاً باید قدرت را به مردم بدهیم و بگذاریم که مردم انتخاب کنند.

**سوال:** قدرت نه از طریق دموکراسی نوع غربی... به خاطریکه در افغانستان ناکام شد. همینطور نیست؟

**پاسخ:** آیا شما می توانید توسط این مردم قبیلوی دموکراسی بسازید؟ فکر می کنم ۱۵ سال کافی باشد.

**سوال:** پس شما می خواهید با تجربه دموکراسی به پیش بروید؟

**پاسخ:** اولاً شما می دانید که دموکراسی یک جعبه نیست که به کدام کشوری صادر شود. این باید گام به گام به پیش برود. ما باید زیر ساخت ها و زمینه های آنرا فراهم سازیم؛ گام به گام... قبل از همه ما باید قانون اساسی را اصلاح کنیم. بعد شرایط امنیتی را فراهم کنیم. گر چه هیچ انتخاباتی نمی تواند بدون تقلب باشد؛ اما فیصدی آن بسیار مهم است. شما ممکن است ۱۰ فیصد تقلب داشته باشید و یا ۹۰ فیصد! هیچ حکومت کامل (بدون نقص) و انتخابات کامل و رای گیری کامل وجود ندارد.

**سوال:** بعضی ها طرفدار این اند که یگان آدم قوی بیاید یا می خواهند آدم قوی که دیکتاتور افغانستان باشد. شما آنرا چگونه می بینید؟

**پاسخ:** بلی دقیقاً این آن چیزی است که پشتون ها می خواهند. اولاً از کرزی و حال از غنی. آنها می خواهند که یک دیکتاتور قوی شوند و پیوستن حکمتیار به او به این منظور است. به خاطری که غنی بالای قومیت تاکید داشت و آنچه کمبود داشت، جنبه مذهبی بود. چون غنی نمی داند که اسلام چه است! حتی یکرز گفت که امام حسین نواسه خدا است و این در افغانستان شرم آور است. حالا حکمتیار را دعوت کرده تا این خلا را پر کند. بدین معنی که او حالا هم پشتیبانی مذهبی دارد و هم پشتیبانی قومی. او یک دیکتاتور خواهد شد، مثل عبدالرحمن که حدود یکصد سال پیش حدود ۶۰ فیصد هزاره ها را قتل عام کرد و این آن چیزی است که افغان ها واقعا می خواهند. مثل حفیظ الله امین دیکتاتور در زمان کمونیست ها یا نوع عبدالرحمن. چون شما می دانید که غنی مریض است و آنها با این مفکوره های قبیلوی. بلی، آنها یک دیکتاتور می خواهند، چه کسی می تواند جلوگیری کند؟ اما پاکستان هرگز اجازه نخواهد داد که آنها یک دیکتاتور شوند و

**سوال:** پاکستان اجازه نخواهد داد؟

**پاسخ:** دقیقاً. به خاطری که این دیکتاتور نیم پاکستان را می خواهد و این علت عمده ای است که هند تقویه می کند و روسیه... تا این دیکتاتور پاکستان را تجزیه کند...

**سوال:** لذا شما مخالف ازدیاد سربازان واشنگتن در افغانستان نیستید؟

**پاسخ:** در شرایط فعلی اگر تعداد آنها افزایش نیابد، طالبان تمام کشور را خواهند گرفت.

**سوال:** بلی، بلی،

**پاسخ:** اما افزایش به خاطر یک شرایط خوب و یک حکومت خوب و تغیر سیاست.

**سوال:** شما تغییر قانون اساسی را می خواهید که توسط لویه جرگه صورت گیرد تا؟

**پاسخ:** تا حکومت را غیرمتمرکز سازد. یعنی یک رییس جمهور باشد، یک صدراعظم و پارلمان و والی های انتخابی، شهردار انتخابی و قوماندان های پولیس انتخابی. فعلا تمام این آدم ها از طرف کابل مقرر می شوند. قبلا توسط وزیر ها و حال توسط حکومت (غنی). به خاطری که غنی همه چیز را در قدرت خود در ارگ متمرکز ساخته است. حال همه چیز در آنجاست. حتی یک مدیر مکتب هم نمی تواند بدون فرمان غنی مقرر شود. هیچ والی نمی تواند کسی را مقرر کند. هیچ وزیر نمی تواند کسی را مقرر کند و اگر من هم آنجا بروم باید در یک جای بیکاره بنشینم.

**سوال:** پس شما یک سیستم مناسب می خواهید و از امریکایی ها تقاضا دارید که بیایند و افغانستان را اصلاح کنند. و این آن چیزی است که نمی تواند واقع شود. وقتی افغانستان یک حکومت فاسد دارد و نمی تواند از طریق داخلی بدون مداخله خارجی صورت گیرد...

**پاسخ:** دقیقا. بدون مداخله امریکایی ها نمی توان چیزی انجام داد. چون فعلا رسما نیم به غنی و نیم به عبدالله مربوط است و آنها همدیگر را به رسمیت نمی شناسند.

**سوال:** بلی، بلی...

**پاسخ:** شما شنیدید که عبدالله چند ماه قبل گفت که من در جریان دو سال گذشته غنی را برای دو دقیقه هم ندیده ام. آنها با همدیگر صحبت نمی کنند.

**سوال:** این ناگوار است...

**پاسخ:** چون پشتون ها می خواهند همه چیز را متمرکز سازند و یک دیکتاتور بوجود آورند. آنها امریکایی ها را ملامت می کنند که ۵۰ فیصد را بالای ما تحمیل کرد. اشرف غنی نیز عین چیز را می گوید که من چیزی کرده نمی توانم؛ چون ۵۰ فیصد به عبدالله تعلق دارد. من هیچ قدرتی ندارم. لذا ما در یک بن بست قرار داریم.

**سوال:** لذا ما به یک قانون اساسی نیاز داریم و اینکه امریکایی ها فشار بیاورند بالای اشرف غنی که انتخابات جدید راه بیندازد.

**پاسخ:** نه؛ انتخابات پیش از اصلاح قانون اساسی ما را باز هم به عین جاده خواهد برد. چون ما اشرف غنی را داریم و باز اشرف غنی را خواهیم داشت. صد فیصد عین چیز. شاید هم ۹۰ فیصد. چون همه چیز در اختیار او است. پولیس مقرری های او است. والی ها نفر های او است و کمیته انتخابات تعیین شده توسط او است. در این صورت به عوض ۴ میلیون شاید ۱۰ میلیون برایش رای بدهند.

**سوال:** بلی، بلی...

**پاسخ:** چه نوع انتخابات؟

**سوال:** آیا شما امیدوار هستید که رییس جمهور ترمپ حالا اراده دارد که این کار را انجام دهد؟

**پاسخ:** اگر او معلومات درست داشته باشد! من امیدوارم که او سیاست های قبلی بوش - اوباما را تغییر دهد. بوش چه کرد؟ قبل از اینکه کار را ختم کند، به عراق رفت و اوباما قبل از انجام وظیفه، سربازان را از افغانستان خارج کرد و حال در آنجا حدود ۱۰ هزار سرباز وجود دارد. لذا رسالت شما در افغانستان چه بود؟ در افغانستان چه می خواستید انجام دهید؟ تنها از بین بردن القاعده؟ چرا طالبان نه؟ کی ها القاعده را به افغانستان آوردند؟ طالبان.

**سوال:** لذا رویای ما باید این باشد که تجدید مداخله غربیان از طریق فشار بالای اشرف غنی که قانون اساسی اصلاح شود و بیشتر در برگیرنده توزیع قدرت به والی ها یا ولایات باشد...

**پاسخ:** دقیقا.

**سوال:** و این اساسا نقطه کلیدی است. توزیع قدرت به ولایات به تدریج و با اطمینان می تواند در افغانستان ثبات بیاورد.

**پاسخ:** دقیقا. درغیرآن ما چگونه می توانیم روستا های خود را دفاع کنیم. مگر امریکایی ها باید به روستا های ما بروند و بار دیگر می خواهید که سربازان برتانوی به روستا های هلمند فرستاده شوند؟ با مصرف پول زیاد و تلفات زیاد و ادامه عین دایره؟ دوم اینکه ما باید مرز را به رسمیت بشناسیم، خط دیورند با پاکستان را. روابط خود را با پاکستان نورمال بسازیم. ما باید از پاکستان بخواهیم و یا کمک کنیم؛ اگر شما آنها را پشتیبانی نمی کنید، آنها در آنجا چه می کنند؟ اگر پشتیبانی می کنید، چرا؟ آنها حق دارند بگویند که اول دست نشانده های خود را در آنجا تغییر دهید. دست نشانده های شما... در صورتیکه هیچ پولی در جیب خود ندارند ادعا می کنند که نیم خاک ما مربوط آنهاست. دست نشانده های خود را تغییر دهید. آنها را تعویض کنید. اگر شما آن دست نشانده های خود را نگاه می دارید، ما هم این همه طالبان را می فرستیم...

**سوال:** البته به یک حکومت صادق نیاز داریم و اینکه بخشی از مشکل حاکمان اند که اکثرا مقام های خود را خریداری می کنند...

**پاسخ:** تمام مقام ها خرید و فروش می شوند. اگر شما می خواهید والی شوید، باید چقدر پول بپردازید و اگر قوماندان پولیس می شوید، چقدر باید بپردازید. اگر شما به گمرک بروید، باید پول بدهید. و یا اینکه رابطه ای با یکی از مقامات بلند داشته باشید و پول جریان دارد.

**سوال:** و مسخره اینکه اگر شما مقام ولایت را خریده اید باید پول پیدا کنید...

**پاسخ:** معلومدار اگر من به شما ۵۰۰ هزار دالر داده ام که والی شوم، بعد من باید پول خود را پیدا کنم. چون میدانم که من برای یک یا دو سال اینجا خواهم بود و من باید پولی را که داده ام جبران کنم و این آن چیزی است که در افغانستان جریان دارد. به خصوص با اینهمه پول های زیادی که از خارج می آید و اینها در مقابل هیچ کسی پاسخگو نیستند. به خاطری که آنها بنام باز سازی و مکتب و ارتش و ملیشه های محلی و غیره مانند قرار داد ها... شما میدانید که در قرار داد ها چه می گذرد؟ مثلا اگر شما بخواهید یک جاده را از کابل تا کندهار اعمار کنید و قرار داد ۵۰ میلیون باشد و من از طریق یک رابطه آنرا از شما بگیرم. چون

خودم کاری انجام نمی دهم، آنرا به قیمت ۴۰ میلیون به علی خواهم فروخت و علی هم به قیمت ۳۰ میلیون به کس دیگری و آنهم به قیمت ۲۰ میلیون به نفر دیگری. آن شخص آخری باید این جاده را به قیمت ۲۰ میلیون اعمار کند! این آن چیزی است که در افغانستان جریان دارد.

**سوال:** بیایید امیدوار باشیم که چنین خردی از دونالد ترامپ ببینیم که در آینده...

**پاسخ:** آن یگانه امیدواری است و حال یگانه امیدواری دونالد ترامپ با سیاست های درست... درغیرآن ما در یک دایره خبیثه روان خواهیم بود.

**سوال:** تشکر از اینکه با ما بودید و افتخار بخشیدید.

پاسخ: تشکر از شما

**تبصره:** خوب. چه حالتی جریان دارد... این یاد آور تعداد زیاد حوادثی است که در جهان جریان دارد و معلوم می شود که مداخله ما غربی ها جریانات را خرابتر می سازد. به لیبیا و سوریه ببینید و فلسطین و اسراییل و عراق و حالا افغانستان. ما در حقیقت میانجی های خوبی نیستیم. در آخر روز قیمت ها در افغانستان... ناگوار به خاطر اینکه پروفیسور می گوید ما به طرف غرب نگاه می کنیم که چتلی های را که ایجاد کرده اند، پاک کنند! این شرم است که افغانستان نمی تواند مشکلات خود را تداوی کند و شاید بتواند و شاید دونالد ترامپ باید یکمقدار مسئولیت ها را به دوش گیرد، برای آنچه که قبلا جریان داشته است. این بدین معنی نیست که اگر غرب گزینه دیگری به غیر از مداخله نمی داشت، پس از ۹/۱۱ که ناگزیر بود و اما نحوه ای که ما عمل کردیم، همه چیز خراب و نا آزموده و نامناسب بوده و کوشش شده که حاکمان دست نشانده ای نصب شود که وضع را بد تر ساخته و این درست است که ما نیاز داریم، به حکومتداری اصلاح شده در افغانستان و باید قدرت را توزیع کنیم در بین محلات. در این مورد هیچ سوالی وجود ندارد، چون هر مبصری هر چیزی که در مورد افغانستان می داند آنرا از اول گفته است. اما مسخره اینکه کسانی که تصمیم گیر سیاست ها اند، هیچ چیزی در مورد افغانستان نمی دانند و یک حاکمیت متمرکز دست نشانده را تحمیل کردند. بیایید امیدوار باشیم که خرد بیشتری به میان آید و آینده ای وجود داشته باشد که پروفیسور علاقه دارد ببیند و ما بتوانیم توزیع قدرت را داشته باشیم و والیان با صلاحیت داشته باشیم و یک افغانستان جدید با یک قانون اساسی جدید...

تشکر از اینکه با ما بودید!

---

<https://www.youtube.com/watch?v=5d56mGbknJg>